

نگاهی به

تجارت جهانی در دهه ۱۹۸۰

نقل از: ماهنامه بررسی های بازرگانی - مهرماه ۱۳۶۹

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اقتصاد جهان، پس از سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ - که از رونق نسبتاً خوبی برخوردار بود، به دنبال افزایش قیمت نفت و نرخ تورم در کشورهای صنعتی غرب و سیاست های انقباضی پولی متعاقب آن - که به افزایش شدید نرخ بهره منجر شد، از ۱۹۸۰ تا پایان ۱۹۸۲ با چنان رکود اقتصادی مواجه شد که از سال های ۱۹۲۹-۳۲ تا آن زمان سابقه نداشت.

این رکود اقتصادی، به همراه خود در تجارت بین المللی نیز کاهش شدیدی ایجاد کرد (بنگرید به نمودار ۱). کاهش تقاضا برای کالاهای مورد مبادله، علاوه بر حجم، قیمت جهانی این کالاها را نیز کاهش داد. در نتیجه، صادرات جهان با قریب به ۱۹۳ میلیارد دلار کاهش، از ۱۹۹۴ به ۱۸۰۱ میلیارد دلار در ۱۹۸۳ تنزل یافت. بخش اعظم این کاهش (حدود ۱۲۶ میلیارد

اشاره:

دهه ۱۹۸۰ را باید به عنوان دوره ای استثنایی در تاریخ قرن بیستم تلقی کرد که زمینه ساز پیدایش تحولاتی در عرصه جهان، از نظر سیاسی، اقتصادی و استراتژیک شد. از نظر سیاسی، موج بیداری اسلامی که با انقلاب اسلامی ایران آغاز شد، مایه تحولاتی عظیم در توازن نیروها گردید که در پایان این دهه، با اصلاحات در شوروی به اوج خود رسید. به لحاظ اقتصادی نیز بحران بدهی ها باعث افزایش شکاف فقرا و اغنیا شده و نظام اقتصاد جهانی همواره به زیان کشورهای مستضعف، به پیش رفته است. تحولات نظامی و استراتژیک در موازنه نیروهای ابرقدرت ها، پایان جنگ سرد و در عین حال ایجاد کانون های بحران جدید که مایه بروز تنش های بسیار خطرناک شده است، علاوه بر جنگ ایران و عراق را باید از ویژگی های دیگر این دهه تلقی کرد.

به همین دلیل، بررسی ویژگی های این دهه که به اعتقاد برخی از محققان، دوران بحران بزرگ را به دنبال خواهد داشت، امری ضروری است. به دنبال چاپ مقاله «نگاهی به اوضاع اقتصادی دهه گذشته» در ماهنامه اسفند ۱۳۶۸ (۱۲۶) و معرفی کتاب بحران بزرگ دهه ۱۹۹۰ در ماهنامه شهریور ۱۳۶۹ (۱۳۲)، مقاله نگاهی به تجارت جهانی در دهه ۱۹۸۰ در این شماره از نظر گرامی شما خواننده عزیز می گذرد.

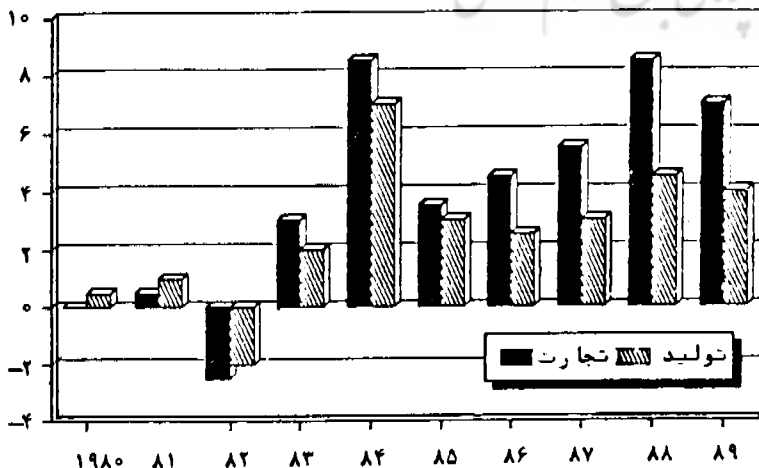
گروه اقتصادی

واحد: میلیارد دلار - درصد

سال	جهان		ایک		اروپای شرقی		جامعه اقتصادی اروپا	
	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم
۱۹۸۰	۱۹۹۴/۶	۱۰۰	۳۰۶/۶	۱۵/۴	۱۵۵/۱	۷/۸	۶۵۷/۲	۲۲/۹
۱۹۸۱	۱۹۵۸/۵	۱۰۰	۲۲۷	۱۱/۶	۱۵۶/۶	۸/۰	۶۰۵/۶	۳۰/۹
۱۹۸۲	۱۹۴۶	۱۰۰	۲۲۴/۳	۱۱/۵	۱۶۵/۱	۸/۵	۵۸۳/۲	۳۰/۰
۱۹۸۳	۱۸۰۱/۸	۱۰۰	۱۸۰/۲	۱۰/۰	۱۷۲/۸	۹/۶	۵۷۰/۳	۳۱/۷
۱۹۸۴	۱۹۰۲/۲	۱۰۰	۱۶۹/۲	۸/۹	۱۷۵/۳	۹/۲	۵۷۹/۱	۳۰/۲
۱۹۸۵	۱۹۲۹/۵	۱۰۰	۱۵۵/۹	۸/۱	۱۷۳/۹	۹/۰	۶۱۳/۹	۳۱/۸
۱۹۸۶	۲۱۱۱/۹	۱۰۰	۱۱۸/۷	۵/۶	۱۸۴/۳	۸/۷	۷۵۳/۹	۲۵/۷
۱۹۸۷	۲۳۲۲/۱	۱۰۰	۱۳۲	۵/۷	—	—	۹۲۷/۸	۳۰/۵
۱۹۸۸	۲۶۹۴/۴	۱۰۰	۱۳۱/۳	۴/۹	—	—	۱۰۶۲/۳	۲۹/۴
% رشد سالانه		۳/۳	۱۰/۷	۲/۸	۶/۴			
		اتحادیه تجارت آزاد		آمریکا		کانادا		ژاپن
	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم
۱۹۸۰	۱۱۶/۸	۵/۸	۲۱۲/۹	۱۰/۷	۶۳/۱	۳/۲	۱۲۹	۶/۵
۱۹۸۱	۱۰۸/۲	۵/۵	۲۲۵/۷	۱۱/۵	۶۸/۲	۳/۵	۱۵۱/۹	۷/۸
۱۹۸۲	۱۰۳/۷	۵/۳	۲۰۶	۱۰/۶	۶۶/۹	۳/۴	۱۳۸/۶	۷/۱
۱۹۸۳	۱۰۳/۹	۵/۸	۱۹۴/۶	۱۰/۸	۷۲/۱	۴/۰	۱۲۶/۸	۸/۱
۱۹۸۴	۱۰۹	۵/۷	۲۱۰/۲	۱۱/۸	۸۴/۸	۴/۵	۱۷۰	۸/۹
۱۹۸۵	۱۱۳/۵	۵/۹	۲۰۵/۲	۱۰/۶	۸۵/۷	۴/۴	۱۷۵/۸	۹/۱
۱۹۸۶	۱۳۹/۹	۶/۶	۲۰۴/۶	۹/۷	۸۳/۲	۴/۰	۲۰۹	۹/۹
۱۹۸۷	—	—	۲۷۲/۷	۱۱/۶	۹۶/۷	۴/۱	۲۴۶	۱۰/۵
۱۹۸۸	—	—	۳۴۱/۵	۱۲/۷	۱۱۳/۷	۴/۲	۳۷۵/۸	۱۰/۲
% رشد سالانه		۲/۵	۴/۲	۶/۷	۶/۷			

نمودار (۱): رشد حجم تولید و تجارت جهانی طی سالهای ۱۹۸۰-۸۹

واحد: درصد



دلار) ناشی از کاهش قیمت و تقاضا برای نفت کشورهای ایک و بخش عمده دیگر ناشی از کاهش ارزش دلاری صادرات کشورهای عضو بازار مشترک (به دلیل کاهش میزان صادرات و افزایش نرخ برابری دلار) بود. صادرات ایالات متحده امریکا نیز تحت تأثیر رکود اقتصادی جهان و افزایش ارزش دلار در اوایل دهه ۱۹۸۰ از ۲۱۲/۹ میلیارد دلار در ۱۹۸۰، به ۱۹۴/۶ میلیارد دلار در ۱۹۸۳ کاهش یافت.

در نتیجه این تحولات، سهم کشورهای عضو ایک در صادرات جهانی از ۱۵/۴ درصد در ۱۹۸۰، به ۱۰ درصد در ۱۹۸۳ کاهش یافت. در مقابل، سهم کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی از ۷/۸، به ۹/۶ درصد، سهم ژاپن از ۶/۵، به ۸/۱ درصد و سهم کانادا از ۳/۲، به ۴ درصد افزایش یافت. سهم امریکا و اتحادیه تجارت آزاد اروپا طی این مدت، تغییر چندانی نیافت و به ترتیب در حد ۵/۸ و ۱۰/۸ درصد باقی ماند و سهم کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا از تجارت جهانی از ۳۲/۹ به ۳۱/۷ درصد کاهش یافت. سهم سایر کشورهای جهان در خلال این دوره، ظاهراً اندکی افزایش داشته است.

در زمینه واردات، تصویر نسبتاً متفاوتی به چشم می‌خورد. طی دوره ۸۳-۱۹۸۰ واردات کشورهای عضو ایک نه تنها کاهش چندانی نیافت، بلکه در مقاطعی نیز افزایش یافت. ظاهراً ذخایر ارزی این کشورها به آنها اجازه داد تا علی‌رغم کاهش شدید صادراتشان، همچنان به واردات خود ادامه دهند. در نتیجه، سهم این کشورها در واردات جهانی از ۶/۴ درصد در ۱۹۸۰، به ۷ درصد در ۱۹۸۳ افزایش یافت.

افزایش ارزش برابری دلار باعث شد تا واردات ایالات متحده نیز از حدود ۲۴۱ میلیارد دلار، به ۲۵۳ میلیارد دلار افزایش یابد و سهم این کشور در واردات جهانی، از ۱۲/۱ درصد در ۱۹۸۰، به ۱۴/۱ درصد در ۱۹۸۳ افزایش یابد.

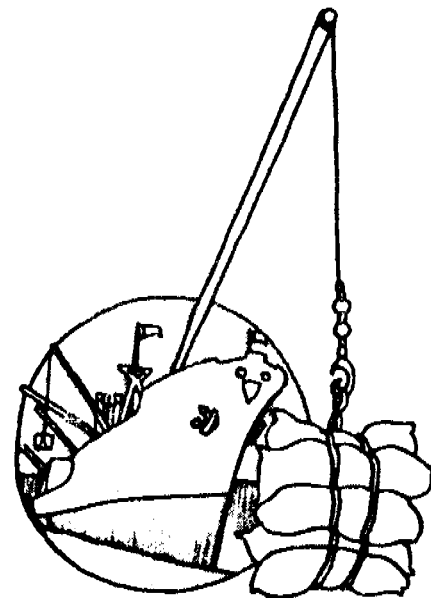
میزان و سهم واردات کانادا نیز در خلال همین مدت از افزایش اندکی برخوردار بود و سهم آن در واردات جهانی از ۲/۵، به ۲/۸ درصد افزایش یافت. طی این مدت، علی‌رغم کاهش میزان واردات ژاپن از حدود ۱۲۴ میلیارد دلار، به ۱۱۱ میلیارد دلار، سهم این کشور در واردات جهانی در حد ۶/۲ درصد، ثابت باقی ماند. در مقابل، سهم جامعه اقتصادی اروپا و اتحادیه تجارت آزاد اروپا، به ترتیب از ۳۳ به ۳۱/۵ و از ۶/۹، به ۶ درصد تقلیل یافت. ضمن اینکه در خلال این مدت، سهم کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی نیز از ۷/۲، به ۸/۲ درصد رسید.

موازنه تجاری کشورها و مناطق مذکور نیز در

جدول (۲۱) میزان و سهم کشورها در واردات جهان طی سال های ۱۹۸۰-۸۸

واحد: میلیارد دلار - درصد

سال	جهان		ایک		اروپای شرقی		جامعه اقتصادی اروپا		
	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	
۱۹۸۰	۱۹۹۲/۶	۱۰۰	۱۲۸/۲	۶/۴	۱۲۳/۸	۷/۲	۶۵۸/۴	۳۳/۰	
۱۹۸۱	۱۹۵۸/۵	۱۰۰	۱۵۳/۸	۷/۹	۱۲۳/۷	۷/۳	۶۲۰/۱	۳۱/۷	
۱۹۸۲	۱۹۴۶	۱۰۰	۱۴۷/۵	۷/۶	۱۲۵/۲	۷/۵	۵۹۰	۳۰/۳	
۱۹۸۳	۱۸۰۱/۸	۱۰۰	۱۲۵/۷	۷/۰	۱۴۸	۸/۲	۵۶۷/۵	۳۱/۵	
۱۹۸۴	۱۹۰۲/۲	۱۰۰	۱۱۱	۵/۸	۱۲۸/۵	۷/۸	۵۸۰/۹	۳۰/۵	
۱۹۸۵	۱۹۲۹/۵	۱۰۰	۱۷۷/۷	۵/۱	۱۵۱/۵	۷/۹	۵۹۲/۲	۳۰/۷	
۱۹۸۶	۲۱۱۱/۹	۱۰۰	۸۹/۷	۴/۲	۱۶۶/۳	۷/۹	۷۰۷/۷	۳۳/۵	
۱۹۸۷	۲۴۰۸	۱۰۰	۸۶/۵	۳/۶	-	-	۹۱۷/۲	۳۸/۱	
۱۹۸۸	۲۷۸۳	۱۰۰	۹۷	۳/۵	-	-	۱۰۲۵/۵	۳۷/۶	
% رشد سالانه		۲/۶	-۶/۸		۲/۰		۵/۷		
		اتحادیه تجارت آزاد		امریکا		کانادا		ژاپن	
	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	
۱۹۸۰	۱۳۷/۵	۶/۹	۲۴۰/۸	۱۲/۱	۲۹/۲	۲/۵	۱۲۳/۹	۶/۲	
۱۹۸۱	۱۱۷/۶	۶/۰	۲۴۹/۴	۱۲/۷	۵۶/۲	۲/۹	۱۲۳/۶	۶/۳	
۱۹۸۲	۱۱۰/۹	۵/۷	۲۲۸/۶	۱۱/۷	۴۶/۲	۲/۴	۱۱۶/۱	۶/۰	
۱۹۸۳	۱۰۸/۱	۶/۰	۲۵۳/۲	۱۴/۱	۵۱/۳	۲/۸	۱۱۱/۵	۶/۲	
۱۹۸۴	۱۰۷/۸	۵/۷	۳۱۴/۳	۱۶/۴	۶۲	۳/۳	۱۱۴/۵	۶/۱	
۱۹۸۵	۱۱۴/۹	۶/۰	۲۲۰/۶	۱۶/۶	۶۴/۴	۳/۳	۱۱۰/۸	۵/۷	
۱۹۸۶	۱۴۲/۱	۶/۷	۳۴۷/۸	۱۶/۵	۶۵/۲	۳/۱	۱۰۵/۹	۵/۰	
۱۹۸۷	-	-	۴۰۳/۵	۱۶/۸	۸۷/۵	۳/۶	۱۳۳/۵	۵/۵	
۱۹۸۸	-	-	۴۳۷/۴	۱۵/۷	۱۰۱/۱	۳/۶	۱۶۶/۹	۶/۰	
% رشد سالانه		۸/۱	۸/۲		۸/۵		۸/۵		



خلال این دوره، شاهد تحولات چشمگیری بود. مازاد تجاری کشورهای عضو اوپک از ۱۷۸/۴ میلیارد دلار در ۱۹۸۰، به ۵۴/۵ میلیارد دلار در ۱۹۸۳ تقلیل یافت. این امر ناشی از کاهش میزان و قیمت نفت صادراتی این کشورها بود. این درحالی بود که مازاد تجاری ژاپن از حدود ۵ میلیارد دلار در ۱۹۸۰، به بیش از ۳۵ میلیارد دلار افزایش یافت. در مقابل، کسری تجاری ایالات متحده - علی رغم کاهش قیمت نفت - به سیر صعودی خود ادامه داد و در طی این مدت، از حدود ۲۸ به ۵۸/۶ میلیارد دلار رسید.

روند موازنه تجاری در کانادا نیز سبیه به ژاپن بود و مازاد تجاری این کشور، با حدود ۵۰ درصد افزایش از ۱۳/۹ میلیارد دلار، به حدود ۲۱ میلیارد دلار بالغ گشت. طی همین مدت، مازاد تجاری کشورهای سوسیالیستی از ۱۱/۳، به ۲۴/۸ میلیارد دلار رسید، کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا، کسری تجاری خود را از ۲۱/۴ به ۴/۲ میلیارد دلار کاهش دادند و کسری تجاری کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا (معادل ۱/۲ میلیارد دلار) به یک مازاد تجاری ۲/۸ میلیارد دلاری مبدل گشت.

رونق اقتصادی جهان عملاً از سال ۱۹۸۳ و با شروع بهبود اقتصادی در ایالات متحده امریکا، کاهش نرخ تورم در کشورهای صنعتی غرب و کاهش بیش تر در قیمت نفت آغاز شد. این روند افزایش در میزان تولید و تجارت جهانی، تاکنون نیز ادامه یافته است. سایان ذکر است که تقریباً کلیه کشورها و گروه کشورهای جهان - به استثنای کشورهای عضو اوپک - از این رونق تجاری

جدول (۲۲) موازنه تجاری کشورهای جهان، طی سال های ۱۹۸۰-۸۸

واحد: میلیارد دلار

سال	جهان	ایک	اروپای شرقی	بازار مشترک	اتحادیه تجارت آزاد	امریکا	کانادا	ژاپن
۱۹۸۰	-	۱۷۸/۴	۱۱/۳	-۱/۲	-۲۱/۴	-۲۷/۹	۱۳/۹	۵/۱
۱۹۸۱	-	۱۷۳/۲	۱۲/۹	-۱۴/۵	-۹/۴	-۲۳/۷	۱۲/۰	۲۸/۳
۱۹۸۲	-	۱۶۰/۸	۱۹/۹	-۶/۸	-۷/۲	-۲۲/۶	۲۰/۷	۲۴/۵
۱۹۸۳	-	۵۴/۵	۲۴/۸	۲/۸	-۴/۲	-۵۸/۶	۲۰/۸	۲۵/۳
۱۹۸۴	-	۵۸/۲	۲۶/۸	-۱/۸	۱/۲	-۱۰/۲	۲۲/۸	۵۵/۵
۱۹۸۵	-	۵۸/۲	۲۲/۴	۲۱/۷	-۱/۴	-۱۱/۵	۲۱/۳	۶۵/۰
۱۹۸۶	-	۲۹/۰	۱۸/۰	۴۶/۲	-۲/۲	-۱۴/۳	۱۹/۰	۱۰۳/۱
۱۹۸۷	-۶۵/۹	۴۷/۵	-	۳۰/۶	-	-۱۳/۱	۹/۲	۱۱۲/۵
۱۹۸۸	-۸۸/۶	۳۴/۳	-	۱۶/۸	-	-۱۵/۹	۱۲/۶	۱۰۸/۹

برخوردار گردیده اند. صادرات این گروه از کشورها، از ۱۸۰ میلیارد دلار در ۱۹۸۳ به ۱۳۱ میلیارد دلار در ۱۹۸۸ کاهش یافته، واردات آنها نیز طی این مدت، از ۱۲۵/۷ به ۹۷ میلیارد دلار تنزل پیدا کرده است. طبیعتاً، مازاد تجاری این کشورها نیز رو به کاهش بوده، در ۱۹۸۸ به حدود ۳۴ میلیارد دلار رسیده است.

از سوی دیگر، صادرات ژاپن، کانادا، ایالات متحده آمریکا و جامعه اقتصادی اروپا از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸ از رشدی مستمر و بالا برخوردار بوده است و در خلال این مدت، صادرات ژاپن حدود ۹۰ درصد، کانادا حدود ۶۰ درصد، آمریکا نزدیک به ۷۵ درصد و بازار مشترک قریب به ۸۰ درصد رشد داشته است.

رشد نسبتاً مشابهی در واردات این کشورها نیز طی همین دوره، به چشم می خورد. در خلال دوره ۱۹۸۳-۸۸ واردات ژاپن حدود ۵۰ درصد، کانادا نزدیک به ۱۰۰ درصد و آمریکا بیش از ۷۰ درصد رشد داشته است. رشد واردات کشورهای بازار مشترک نیز حدود ۸۰ درصد بوده است. متوسط رشد سالانه صادرات و واردات کشورهای سوسیالیستی اروپا به مراتب کم تر از این بوده است و در خلال دوره ۱۹۸۰-۸۶ به ترتیب حدود ۲/۸ و ۲ درصد گردیده است.

موازنه تجاری ایالات متحده آمریکا تا ۱۹۸۶ همچنان با کسری فزاینده ای روبه رو بود. در این سال، این موازنه بالغ بر ۱۴۳ میلیارد دلار شد، لیکن، از ۱۹۸۷ این کسری رو به کاهش نهاد و تا ۱۹۸۸ به حدود ۹۶ میلیارد دلار رسید. در مقابل، مازاد تجاری ژاپن همچنان به سیر صعودی خود ادامه داده است و از حدود ۳۵ میلیارد دلار در ۱۹۸۳ به ۱۰۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ افزایش یافته است. مازاد تجاری کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا نیز در طی این دوران، با اندک نوساناتی رو به افزایش بود و در ۱۹۸۸ به حدود ۱۷ میلیارد دلار رسید. مازاد تجاری کانادا و کشورهای سوسیالیستی اروپا نیز روندی نزولی داشت، به ترتیب به ۱۲/۶ و ۱۸ میلیارد دلار رسید.

شبکه تجارت جهانی در ۱۹۸۶ در جدول (۴) درج شده است. همان طور که از ارقام این جدول مشهود است، نیمی از واردات جهانی، به جامعه اقتصادی اروپا و ایالات متحده آمریکا تعلق دارد و به همین دلیل، رکود اقتصادی در این کشورها قادر است تجارت جهان را شدیداً تحت تاثیر خود قرار دهد. البته سهم اتحادیه تجارت آزاد اروپا (۶/۷ درصد)، ژاپن (۵ درصد) و کانادا (۳/۱ درصد) نیز قابل توجه است و در مجموع نشان می دهد که حدود ۱/۲ واردات جهان به کشورهای فوق الذکر اختصاص دارد و این درحالی است که

● رکود اقتصادی ابتدای دهه ۱۹۸۰ در خلال پنجاه سال گذشته بی سابقه بوده است.

● علی رغم بهبود اقتصادی در خلال دوره ۱۹۸۳-۸۹، صادرات کشورهای عضو اوپک روندی نزولی داشته است.

● از آنجا که نیمی از واردات جهان به ایالات متحده آمریکا و بازار مشترک اختصاص دارد، رکود اقتصادی در این کشورها تجارت جهان را به رکود خواهد کشاند.

جدول (۴): شبکه تجارت جهان در سال ۱۹۸۶

واحد: میلیارد دلار

مقصد	جهان		ایک		اروپای شرقی		بازار مشترک	
	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم
جهان	۲۱۱۱/۹	۱۰۰	۸۹/۷	۴/۲	۱۶۶/۳	۷/۹	۷۰۷/۷	۳۲/۵
ایک	۱۱۸/۷	۱۰۰	۴/۰۴	۳/۴	۳/۰۸	۲/۶	۳۱/۶	۲۶/۶
اروپای شرقی	۱۸۴/۳	۱۰۰	۳/۶۷	۲/۰	۱۰۴/۶	۵۶/۸	۲۶/۵	۱۴/۴
بازار مشترک	۷۵۳/۹	۱۰۰	۳۲/۹	۴/۲	۱۹/۳	۲/۶	۴۰۵/۳	۵۳/۸
اتحادیه تجارت آزاد	۱۲۰	۱۰۰	۴/۰۴	۲/۹	۷/۹۷	۵/۷	۷۳/۱	۵۲/۲
آمریکا	۲۰۴/۶	۱۰۰	۱۰/۴	۵/۱	۱/۹۶	۱/۰	۴۶/۸	۲۲/۹
کانادا	۸۴/۲	۱۰۰	۱/۰۵	۱/۲	۱/۱۲	۱/۳	۵/۳۲	۶/۳
ژاپن	۲۰۹	۱۰۰	۱۱/۶	۵/۶	۳/۸۳	۱/۸	۲۹/۳	۱۴/۰
مقصد	اتحادیه تجارت آزاد		آمریکا		کانادا		ژاپن	
	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم
جهان	۱۲۲/۱	۶/۷	۳۴۷/۸	۱۶/۵	۶۵/۲	۳/۱	۱۰۵/۹	۵/۰
ایک	۱/۵۶	۱/۳	۱۶/۱	۱۳/۶	۱/۰۳	۰/۹	۲۰/۱	۱۶/۹
اروپای شرقی	۹/۲	۵/۱	۱/۹۶	۱/۱	۰/۲۱	۰/۱	۱/۷۴	۰/۹
بازار مشترک	۸۷/۴	۱۱/۶	۷۰/۴	۹/۳	۸/۶	۱/۱	۱۰/۸	۱/۴
اتحادیه تجارت آزاد	۲۰/۷	۱۴/۸	۱۱/۳	۸/۱	۱/۴۷	۱/۱	۲/۵۷	۱/۸
آمریکا	۶/۰۶	۳/۰	—	—	۴۱/۹	۲۰/۵	۲۲/۶	۱۱/۰
کانادا	۰/۵۷	۰/۷	۶۲/۹	۷۷/۱	—	—	۳/۹۷	۴/۷
ژاپن	۶/۲۷	۳/۰	۸۱/۲	۳۸/۹	۵/۵۲	۲/۶	—	—

مأخذ: برای سال های ۱۹۸۷-۸۸

IMF, Direction of Trade 1989 (Washington D.C.: IMF, 1989)

برای سال های ۱۹۸۰-۸۶

UNCTAD, Handbook of International Trade and Development Statistics (Geneva: UNCTAD, 1983, 1985, 1987).

* محاسبه درصدها و متوسط نرخ رشد از مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی است.

سهم کشورهای عضو ایک، تنها به ۴/۲ و سهم کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی به ۷/۹ درصد محدود می‌شده است، اما با عنایت به اینکه حدود نیمی از واردات کشورهای سوسیالیستی اروپا، از خود این کشورها تامین می‌شود، اهمیت واردات آنها در تجارت جهان سرمایه‌داری، رقمی معادل کشورهای عضو ایک خواهد بود. به عبارت دیگر، رکود و رونق اقتصادی آنها، تاثیر چندانی بر تجارت خارجی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نخواهد گذاشت.

طبق ارقام جدول (۴)، کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا ۲۶/۶ درصد، ژاپن ۱۶/۹ درصد و ایالات متحده آمریکا ۱۳/۶ درصد از صادرات کشورهای عضو ایک را خریداری می‌کنند. به عبارت دیگر از آنجا که نزدیک به ۶۰ درصد از صادرات کشورهای عضو ایک به این کشورها صورت می‌گیرد، رکود و یارونق اقتصادی این کشورها تا حدود زیادی تعیین کننده میزان صادرات ایک خواهد بود. درحالی که کشورهای سوسیالیستی اروپا به میزان کم‌تری تابع شرایط اقتصادی حاکم بر کشورهای صنعتی غرب هستند، چرا که مجموع سهم این کشورها در صادرات آنها رقمی حدود ۲۲ درصد است و قریب به ۵۷ درصد از صادرات آنها به دیگر کشورهای اروپای شرقی فروخته می‌شود. همین امر تا حدودی در مورد کشورهای عضو

● بیش از نیمی از تجارت خارجی اتحادیه‌های اقتصادی نظیر: بازار مشترک، اتحادیه تجارت آزاد اروپا و کشورهای اروپای شرقی، با کشورهای عضو همان اتحادیه صورت می‌گیرد.

● در سال‌های اخیر، کسری تجاری آمریکا و مازاد تجاری ژاپن تقلیل یافته، لکن مازاد تجاری آلمان غربی همچنان رو به افزایش است.

جامعه اقتصادی اروپا نیز صادق است: نزدیک به ۵۴ درصد از صادرات این کشورها، به کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا صادر می‌شود و اتحادیه تجارت آزاد ۱۱/۶ درصد و آمریکا ۹/۳ درصد از صادرات این جامعه را به خود اختصاص می‌دهند. سهم کشورهای عضو ایک در صادرات جامعه اروپا ۴/۴ درصد و سهم کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی به ۲/۶ درصد محدود می‌شود.

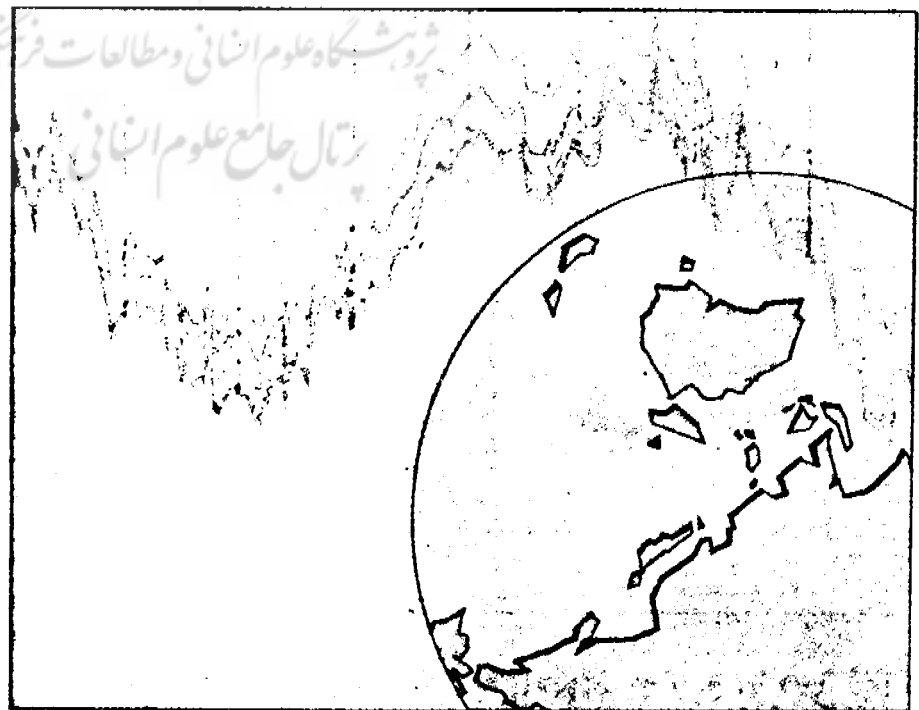
وضعیت اتحادیه تجارت آزاد اروپا نیز بسیارمشابه جامعه اقتصادی اروپاست: حدود ۵۲ درصد از تجارت این اتحادیه بین اعضاء، ۱۴/۸ درصد با جامعه اقتصادی اروپا و ۸/۱ درصد با آمریکا صورت می‌پذیرد. سهم کشورهای سوسیالیستی اروپا در صادرات این اتحادیه ۵/۷ درصد و سهم کشورهای عضو ایک تنها ۲/۹ درصد است.

در مورد ایالات متحده آمریکا نیز جامعه اقتصادی اروپا با ۲۲/۹ درصد، کانادا با ۲۰/۵ درصد و ژاپن با ۱۱ درصد سهم، در مجموع، حدود ۵۵ درصد از صادرات آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند. کشورهای عضو ایک حدود ۵ درصد و کشورهای سوسیالیستی اروپا ۱ درصد و کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا تنها ۳ درصد از صادرات این کشور را خریداری می‌کنند.

بیش‌ترین میزان وابستگی تجاری به یک کشور را در مورد کانادا می‌توان ملاحظه کرد که حدود ۷۷ درصد از صادرات خود را به آمریکا می‌فروشد. طبیعی است که در این شرایط، رکود و یارونق اقتصادی آمریکا، عاملی تعیین کننده در تجارت خارجی کانادا خواهد بود. سهم جامعه اقتصادی اروپا در صادرات کانادا ۶/۳ درصد و سهم ژاپن ۴/۷ درصد است و کشورهای عضو او ایک و کشورهای سوسیالیستی اروپا، هرکدام به ترتیب ۱/۲ و ۱/۳ درصد از صادرات کانادا را به خود اختصاص داده‌اند.

بیش از نیمی از صادرات ژاپن به دو منطقه ایالات متحده آمریکا (با ۳۸/۹ درصد سهم) و جامعه اقتصادی اروپا (با ۱۴ درصد سهم) اختصاص داشته است. کشورهای عضو ایک تنها ۵/۶ درصد و اتحادیه تجارت آزاد اروپا و کانادا به ترتیب ۳ و ۲/۶ درصد از صادرات ژاپن را خریداری کرده‌اند، سهم کشورهای سوسیالیستی اروپا در صادرات ژاپن به ۱/۸ درصد محدود شده است.

بنابراین، در مجموع می‌توان گفت: اولاً هرچا یک اتحادیه تجاری و گمرکی وجود داشته، بیش از نیمی از تجارت خارجی کشورهای عضو با دیگر اعضاء آن اتحادیه صورت گرفته است. ثانیاً، بخش عمده تجارت خارجی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، بین خود این کشورها صورت پذیرفته، سهم ایک و کشورهای سوسیالیستی اروپا در تجارت خارجی این کشورها، بسیار محدود بوده است و از این رو می‌توان گفت که رکود و یا رونق اقتصادی در این کشورها، تاثیر چندانی بر صادرات کشورهای صنعتی غرب ندارد، درحالی



که رکود و رونق اقتصادی کشورهای صنعتی غرب، تا حدود زیادی تعیین کننده میزان صادرات کشورهای ایک و تا حد کم تری، کشورهای سوسیالیستی است.

طبق آخرین آمار و اطلاعات، حجم تولید جهان در ۱۹۸۹ به میزان ۳ درصد افزایش یافته است و انتظار می رود این نرخ رشد به ۲/۲۵ درصد در ۱۹۹۰ تقلیل یابد و در ۱۹۹۱ به رقم ۳ درصد برسد. این کاهش نرخ رشد (بین سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰) معلول سیاست های بولی انقباضی است که در ارتباط با پرشدن ظرفیت کارخانجات (از میان رفتن ظرفیت های خالی) و افزایش نرخ تورم اتخاذ شده است. رشد تولید در ایالات متحده امریکا در ۱۹۹۰ معادل ۱/۷۵ درصد، در ژاپن ۴/۵ درصد و در جامعه اقتصادی اروپا ۳/۰ درصد پیش بینی شده است.

به تبع کاهش نرخ رشد تولید جهانی از ۴/۵ به حدود ۴ درصد، رشد حجم مبادلات جهانی نیز در ۱۹۸۹ کاهش یافت و به ۷/۲۵ درصد رسید و انتظار می رود تجارت جهانی در طی سال های ۹۱-۱۹۹۰ از رشدی حدود ۵/۷۵ تا ۶/۵ درصد برخوردار باشد.

در خلال سال های اخیر، کسری حساب جاری امریکا و مازاد حساب جاری ژاپن به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته اند، در حالی که مازاد حساب جاری آلمان غربی همچنان رو به افزایش بوده است. لیکن، در صورتی که اتحاد دو آلمان به افزایش تقاضای داخلی منتهی شود، مازاد حساب جاری این کشور در سال های آینده، کاهش خواهد یافت.

ارزش مبادلات کالایی جهان در ۱۹۸۹ با ۷/۵ درصد افزایش نسبت به سال قبل، به مرز ۳۱۰۰ میلیارد دلار رسید و انتظار می رود که رقم مبادلات جهانی خدمات در این سال از رقم ۶۰۰ میلیارد دلار (مربوط به سال ۱۹۸۸) فراتر رود. در ۱۹۸۹ کشورهای توسعه یافته بیشترین سهم را در رشد تجارت جهانی داشتند و رشد مبادلات خارجی ایالات متحده امریکا و جامعه اقتصادی اروپا - بیش از رشد تجارت جهانی و رشد ژاپن پایین تر از رشد مذکور بود. به دلیل کاهش رشد مبادلات خارجی برخی از کشورهای در حال توسعه، رشد میزان مبادلات خارجی این گروه از کشورها در ۱۹۸۹ کم تر از متوسط رشد تجارت جهانی بود. لیکن به واسطه افزایش قیمت نفت، ارزش صادرات کشورهای در حال توسعه در ۱۹۸۹ به میزان ۱۲ درصد افزایش یافت که تقریباً دو برابر رشد ارزش صادرات کشورهای پیشرفته بود، ضمن اینکه رشد ارزش واردات این کشورها نیز اندکی بیش از کشورهای توسعه یافته بود.

جدول (۵): صادر کنندگان عمده جهان در سال ۱۹۸۹

واحد: میلیارد دلار و درصد

رتبه	کشور صادر کننده	ارزش ۱۹۸۹	سهم ۱۹۸۹	درصد تغییر	
				۱۹۸۸-۸۹	۱۹۸۸-۸۹
۱	ایالات متحده آمریکا	۳۶۴/۴	۱۱/۸	۱۳	۹۵
۲	آلمان غربی	۳۴۱/۴	۱۱	۵/۵	۹۹
۳	ژاپن	۲۷۵/۲	۸/۹	۴	۱۶۹
۴	فرانسه	۱۷۷	۵/۷	۵/۵	۷۶
۵	انگلستان	۱۵۲/۷	۴/۹	۵	۷۷
۶	ایتالیا	۱۴۰/۶	۴/۶	۹/۵	۹۵
۷	کانادا	۱۲۰/۱	۳/۹	۲	۱۰۷
۸	اتحاد جماهیر شوروی	۱۰۸/۳	۳/۵	-۲	۶۸
۹	هلند	۱۰۷	۳/۵	۳/۵	۶۸
۱۰	بلژیک - لوکزامبورگ	۹۷/۵	۳/۲	۶	۷/۲
۱۱	هنگ کنگ	۷۳/۳	۲/۴	۱۶	۳۴۸
۱۲	تایوان	۶۶/۲	۲/۱	۹/۵	۳۱۱
۱۳	کره جنوبی	۶۲/۳	۲	۲/۵	۳۱۴
۱۴	چین	۵۲/۵	۱/۷	۱۰/۵	۲۸۶
۱۵	سوئد	۵۱/۸	۱/۷	۴	۸۸
۱۶	سوئیس	۵۱/۶	۱/۷	۲	۹۴
۱۷	سنگاپور	۴۴/۷	۱/۴	۱۳/۵	۲۱۴
۱۸	اسپانیا	۴۳	۱/۴	۶/۵	۱۳۶
۱۹	استرالیا	۳۷/۳	۱/۲	۱/۳	۱۰۰
۲۰	مکزیک	۳۶/۴	۱/۲	۱۷/۵	۱۹۲
۲۱	برزیل	۳۴/۴	۱/۱	۲	۱۲۶
۲۲	اتریش	۳۲/۲	۱	۴	۱۰۸
۲۳	آلمان شرقی	۲۸/۷	-/۹	۳	۷۴
۲۴	عربستان سعودی	۲۸/۴	-/۹	۲۰	-۵۵
۲۵	دانمارک	۲۸	-/۹	۱/۵	۹۱
	جمع	۲۵۵۵	۸۲/۷	۶/۵	۱۰۲
	جهان	۳۰۹۰	۱۰۰	۷/۵	۸۶

مأخذ: GATT, Focus: GATT Newsletter, No. 70, April 1990, P.4.

جدول (۶): وارد کنندگان عمده جهان در سال ۱۹۸۹

واحد: میلیارد دلار و درصد

کشور صادرکننده	رتبه		ارزش ۱۹۸۹	سهم ۱۹۸۹	درصد تغییر	
	۱۹۸۹	۱۹۷۹			۱۹۸۸-۸	۱۹۸۸-۸۹
ایالات متحده آمریکا	۱	۱	۴۹۲	۱۵/۴	۷	۱۲۰
آلمان غربی	۲	۲	۲۶۹/۸	۸/۴	۷/۵	۷۰
ژاپن	۳	۳	۲۱۰/۸	۶/۶	۱۲/۵	۹۲
انگلستان	۴	۵	۲۰۰/۶	۶/۳	۶	۱۰۲
فرانسه	۵	۴	۱۹۱	۶	۷	۷۹
ایتالیا	۶	۶	۱۵۲/۹	۴/۸	۱۰/۵	۹۶
کانادا	۷	۱۰	۱۲۰	۳/۷	۷/۵	۱۱۲
اتحاد جماهیر شوروی	۸	۹	۱۱۴	۳/۵	۴	۹۳
هلند	۹	۷	۱۰۴/۴	۳/۵	۵	۵۳
بلژیک - لوکزامبورگ	۱۰	۸	۹۶/۵	۳	۴/۵	۵۸
هنگ کنگ	۱۱	۲۲	۷۲/۳	۲/۳	۱۳	۳۲۲
اسپانیا	۱۲	۱۳	۷۱/۷	۲/۲	۱۸/۵	۱۸۲
کره جنوبی	۱۳	۱۵	۶۱/۵	۱/۹	۱۸/۵	۲۰۴
چین	۱۴	۲۴	۵۹/۱	۱/۸	۷	۲۷۸
سوئیس	۱۵	۱۱	۵۸/۲	۱/۸	۳	۹/۸
تایوان	۱۶	۲۵	۵۲/۳	۱/۶	۵	۲۵۴
سنگاپور	۱۷	۲۰	۴۹/۸	۱/۶	۱۳/۵	۱۸۲
سوئد	۱۸	۱۲	۴۸	۱/۵	۵	۶۷
اتریش	۱۹	۱۹	۴۲/۷	۱/۳	۱۸/۵	۶۷
استرالیا	۲۰	۱۶	۳۸/۷	۱/۲	۷	۹۱
مکزیک	۲۱	۲۹	۳۴/۵	۱/۱	۲۶	۱۸۶
آلمان شرقی	۲۲	۲۳	۲۷/۳	۰/۹	۲	۶۸
دانمارک	۲۳	۱۸	۲۶/۹	۰/۸	۳	۴۶
چکسلواکی	۲۴	۲۶	۲۴/۸	۰/۸	۲/۵	۷۹
فنلاند	۲۵	۳۰	۲۴/۸	۰/۸	۱۷/۵	۱۱۸
جمع			۲۶۴۲	۸۲/۴	۸/۵	۱۰۳
جهان			۳۲۰۵	۱۰۰	۷/۵	۸۶

مأخذ: GATT, Focus: GATT Newsletter, No. 70, April 1990, P.4.

در ۱۹۸۹، بعد از سه سال که ایالات متحده آمریکا به دنبال آلمان غربی در مقام دومین صادرکننده بزرگ جهان قرار داشت، به رتبه اول صعود کرد که این ارتقاء مقام ناشی از افزایش بیش تر حجم صادرات ایالات متحده و کاهش ارزش برابری مارک آلمان در مقابل دلار بود. گرچه هر یک از این عوامل نیز به تنهایی می توانست آمریکا را به بزرگ ترین صادرکننده جهان مبدل سازد.

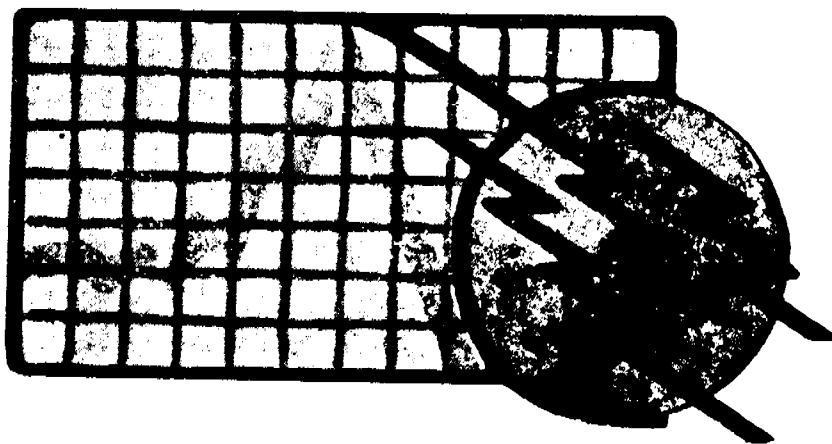
همان طور که در جداول (۵) و (۶) ملاحظه می شود، در خلال دوره ۱۹۷۹-۸۹ در رده بندی ده کشور عمده صادرکننده و واردکننده جهان، تغییر شدیدی حاصل نشده است و تغییر عمده، سقوط عربستان سعودی از مقام نهمین صادرکننده جهان در ۱۹۷۹ به بیست و چهارمین صادرکننده در ۱۹۸۹ است که عمدتاً به واسطه کاهش قیمت و صادرات نفت این کشور صورت پذیرفته است. در مقابل، کانادا از مقام دهم به رتبه هفتم ارتقاء یافته است.

جدول (۵) حاوی نکات دیگری نیز هست که شایان ذکر هستند:

اولاً، بیست و پنج کشور مذکور در جداول (۵) و (۶)، حدود ۸۲/۵ درصد از تجارت جهانی را به خود اختصاص می دهند و سهم مابقی کشورهای جهان تنها حدود ۱۷/۵ درصد است.

ثانیاً، اکثریت غالب این بیست و پنج کشور به گروه کشورهای پیشرفته سرمایه داری تعلق دارند و از میان کشورهای سوسیالیستی تنها سهم کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، چین و آلمان شرقی و تا حدودی چکسلواکی، قابل توجه است. در گروه کشورهای در حال توسعه نیز تنها کشورهای تازه صنعتی شده (از قبیل: هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی، مکزیک، برزیل و سنگاپور) نقش قابل توجهی در تجارت جهان ایفا می کنند.

ثالثاً، نرخ رشد صادرات و واردات کشورهای تازه صنعتی شده و جمهوری خلق چین، در خلال دوره ۱۹۷۹-۸۹ اکثراً بیش از دو برابر نرخ رشد تجارت جهانی، و حتی متوسط رشد تجارت ۲۵ کشور صادرکننده و وارد کننده عمده جهان، بوده است. در نتیجه، در رده بندی کشورهای صادرکننده، هنگ کنگ از مقام بیست و ششم به مقام یازدهم، تایوان از مقام بیست و دوم به مقام دوازدهم، کره جنوبی از مقام بیست و هفتم به مقام سیزدهم، سنگاپور از مقام سی ام به مقام هفدهم، مکزیک از مقام سی و پنجم به مقام بیستم، برزیل از مقام بیست و پنجم به مقام بیست و یکم و چین از مقام سی و دوم به مقام چهاردهمین صادرکننده جهان ارتقاء یافته اند. در زمینه واردات نیز همین کشورها از ارتقاء مرتبه برخوردار بوده اند.



رابعاً، سهم کالاهای صنعتی در تجارت جهانی از ۱۹۸۰ حدود ۳٪ افزایش یافته است و در حال حاضر ۷۰ درصد از تجارت کالایی جهان را تشکیل می‌دهد. جالب توجه است که حدوداً نیمی از ارزش صادرات کشورهای در حال توسعه نیز از کالاهای صنعتی تشکیل یافته است، که این امر ناشی از کاهش قیمت نفت و مواد خام از یک سو و افزایش شدید صادرات کشورهای تازه صنعتی شده از سوی دیگر است. در ۱۹۸۹ حدود ۸۰ درصد از افزایش تجارت کالایی جهان ناشی از افزایش مبادلات کالاهای صنعتی بوده است. با توجه به آمار و ارقام مذکور می‌توان گفت:

- ۱- رشد تجارت جهانی منوط به ادامه رونق اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی غرب است و در صورت بروز رکود اقتصادی در این کشورها (همانند اوایل دهه ۱۹۸۰) رشد تجارت جهانی نیز متوقف و یا منفی خواهد شد.

- ۲- کشورهای تازه صنعتی شده بهترین بازار جهت گسترش صادرات هستند، چرا که تجارت خارجی آنها به مراتب سریع‌تر از سایر کشورهای جهان، در حال افزایش است. البته جمهوری خلق چین را نیز باید به این کشورها اضافه کرد.

- ۳- با توجه به کم‌کشش بودن عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی و مواد خام معدنی و تجربه کشورهای تازه صنعتی شده در دهه قبل، افزایش سریع صادرات تا حدود زیادی منوط به حمایت توسعه صادرات صنعتی است.

- ۴- بازار کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، علی‌رغم رشدی کم‌تر از کشورهای تازه صنعتی شده، از نظر میزان صادرات بالقوه به این کشورها، بسیار مهم است. البته صدور کالا به این دسته از کشورها مستلزم کیفیت و قیمت‌های کاملاً قابل رقابت است.

درخاتمه باید متذکر شد که تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی اروپا و مسئله اروپای بدون مرز در ۱۹۹۲ از موضوعاتی هستند که یقیناً تجارت جهانی را متأثر خواهند ساخت (همین‌طور اتحاد دو آلمان). از این رو، هرگونه پیش‌بینی در زمینه آینده تجارت جهان باید این تحولات، و بی‌آمدهای احتمالی آنها را نیز مدنظر قرار دهد.

■ زیرنویس:

(1): IMF, World Economic Outlook (Washington D. C: IMF, May 1990)

(2): Ibid.

(3): GATT, Focus: GATT Newsletter, No. 69, March 1990, P.I.

(۴): این امر موجب کم‌برسیدن ارزش مارش آلمان بر حسب

دلار شد.

(۵): البته باید به خاطر داشت که هنگ کنگ و سنگاپور بخشی

عمده‌ای از واردات خود را مجدداً صادر می‌کنند. مثلاً ۶۶ درصد از

صادرات هنگ کنگ در ۱۹۸۹ به شکل صادرات مجدد بوده، حال آنکه این رقم برای سنگاپور ۳۷ درصد بوده است.

(6): GATT, Focus: GATT Newsletter, No. 56, October 1989, P.I.

(7): GATT, Focus: Gatt Newsletter, No 69 March 1990, P.I.

(۸): طی دوره ۱۹۶۳-۷۲ رشد سالانه میزان تجارت

محصولات صنعتی جهان ۱۱ درصد بود، در حالیکه این رقم برای محصولات کشاورزی و معدنی به ترتیب بالغ بر ۴ و ۷ درصد بود. در خلال دوره ۱۹۷۳-۸۱ نیز نرخ رشد محصولات صنعتی ۵ درصد بود، حال آنکه رشد محصولات کشاورزی و محصولات معدنی به ترتیب ۴/۵ و ۲/۵ درصد بود.

(9): GATT, International Trade 1981/82 (Geneva: GATT, 1982). P. 3.

■ منابع و مأخذ:

1- GATT, Focus: GATT Newsletter, No. 69, March 1990.

2- GATT, Focus: GAAT Newsletter. No. 70, April 1990.

3- GATT, International Trade 1981/82 Geneva: GATT, 1982.

4- GATT, Focus: GATI Newsletter. No. 65 October 1989.

5- IMF, Direction of Trade 1980. Washington D. C: IMF, 1980.

6- IMF, World Economic Outlook 1990, Washington D. C: IMF, 1990.

7- UNCTAD, Handbook of Intevnational Trade and Development Statistics, 1983, 1985, 1987. Geneva: UNCTAD, 1983, 1985, 1987.

● در خلال دوره ۸۹-۱۹۷۹ رشد صادرات کشورهای تازه صنعتی شده به مراتب بیش از رشد کشورهای دیگر بوده است.

● در حال حاضر بیش از ۸۲ درصد تجارت کالایی جهان در اختیار ۲۵ کشور است.